

نگاهی به روش‌شناسی تحلیل گفتمان

فاطمه حیدری / دانشجوی دکتری گروه مدیریت آموزشی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

کسب سیف‌اله فضل الهی قمشی / استادیار و دکترای تخصص برنامه‌ریزی درسی گروه مدیریت آموزشی، واحد قم، دانشگاه آزاد

fazlollahigh@yahoo.com

اسلامی، قم، ایران

دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۶

چکیده

تحلیل گفتمان به‌عنوان یک رویکرد کیفی، به‌دلیل نقشی که در کشف نهفته‌ها و امور ذهنی دارد، جایگاه مهمی در بسیاری از پژوهش‌های اجتماعی یافته است. از این رو با توجه به اهمیت تحلیل گفتمان تحقیقات اجتماعی، این مقاله به بررسی روش‌شناسی تحلیل گفتمان، می‌پردازد. تحلیل گفتمان تکنیکی است که در مطالعه متون، رسانه‌ها، فرهنگ‌ها، علوم سیاست، اجتماع و مواردی مانند آن کاربرد دارد و برای کشف معنای به‌کاررفته در متن یا سخن تلاش می‌کند. تمرکز تحلیل گفتمان بر گفت‌وگو (زبان نوشتاری یا گفتاری) است و هدف اصلی مورد توجه آن، رفتار اجتماعی نهفته در گفت‌وگو می‌باشد. به عبارت دیگر، در تحلیل گفتمان به‌صورت مستقیم به مقاصد و انگیزه‌های افراد در گفت‌وگو کاری ندارد؛ بلکه به دنبال آن است که مقوله‌ها، عقیده‌ها، بینش‌ها و نقش‌ها را در درون خود متن مشخص کند. این مقاله با رویکرد تحلیلی و اسنادی، ابتدا به واژه‌شناسی پژوهش تحلیل گفتمان می‌پردازد. سپس به بررسی مبانی فلسفی، تاریخچه پیدایش و مهم‌ترین اهداف آن و در ادامه، به نقدهای آن پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان، زبان‌شناسی، روش‌شناسی.

امروزه رویکرد کیفی، به دلیل نقشی که در کشف نهفته‌ها و امور ذهنی دارد، جایگاه مهمی در بسیاری از پژوهش‌های اجتماعی یافته است. در این میان، راهبرد تحلیل گفتمان نیز به نوبه خود نقش آفرینی می‌کند. در تعریفی ساده می‌توان گفت: گفتمان شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن یا فهم یکی از وجوه آن است (صالحی زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳).

انسان‌ها زبان را با ابعاد گوناگونی چون انتقال و کسب اطلاعات، بیان احساسات و مواردی از این قبیل به کار می‌برند. از سوی دیگر، انسان‌ها به کمک تجربه‌های شخصی خود، از محیط بیرون و گفتار دیگران برداشت‌ها و تعبیری حاصل می‌کنند که گاه با واقعیت تطابق دارد و گاه نیز بسیار متفاوت است. همین عدم تطابق برخی تعبیر با واقعیت‌ها موجب می‌شود که از گفت‌وگو بین دو یا چند نفر، تعبیر دیگری استنباط شود (خنifer و مسلمی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۹).

گفتمان‌ها اعمالی هستند که به‌طور نظام‌مند موضوعاتی را شکل می‌دهند که خود سخن می‌گویند. گفتمان‌ها، درباره موضوعات صحبت نکرده و هویت موضوعات را تعیین نمی‌کنند، بلکه آنها سازنده موضوعات بوده و در فرایند این سازندگی مداخله‌ای خود را پنهان می‌دارند (تاجیک، ۱۳۷۷، ص ۱۵). این روش، در آغاز تا حد زیادی وامدار زبان‌شناسی بوده است. بسیاری از زبان‌شناسان هم به این قول مالینوفسکی (Malinowski) استناد می‌کنند که می‌گوید: «مفهوم و معنی در دل کلمات نهفته نیست بلکه معنی در اوضاع و احوال اجتماعی، وضع ادای کلمات، ساختار جمله، اثر کلمات مجاور بر یکدیگر و ده‌ها عامل دیگر مبتنی می‌باشد» (خنifer، ۱۳۹۶، ص ۱۲۹).

تحلیل گفتمان، مطالعه زندگی اجتماعی از طریق مطالعه و تحلیل زبانی، با توجه به محتویات گفت‌وگوها، متن‌ها و مضمون‌های دیگر از جمله، تصویرهای متحرک و ثابت، نقاشی‌ها، موسیقی‌ها، فیلم‌ها، نشانه‌ها و نمادها و استخراج تحلیل معنی‌های آنها، با توجه به بافتی است که در آن رخ داده‌اند. تحلیل گفتمان یا مطالعه گفتمان، یک اصطلاح کلی برای برخی از رویکردها به تحلیل کاربرد زبان نوشتاری، گفتاری یا اشاره‌ای است. تمرکز تحلیل گفتمان بر گفت‌وگو (زبان نوشتاری یا گفتاری) و عنوان اصلی مورد توجه آن، ساختار اجتماعی نهفته در گفت‌وگو است. به عبارت دیگر، در تحلیل گفتمان به صورت مستقیم به مقاصد و انگیزه‌های افراد در گفت‌وگو کاری ندارد، بلکه به دنبال آن است که مقوله‌ها، عقیده‌ها، بینش‌ها و نقش‌ها را در درون خود متن مشخص کند. تحلیل گفتمان، پژوهشگر را قادر می‌سازد که انگیزه‌های پنهان در پس یک متن را آشکار سازد. پس تحلیل گفتمان چیزی جز شکستن ساختار یک متن، یا مسئله و تفسیر آن نیست (میرزایی، ۱۳۹۵، ص ۱۲). تحلیل گفتمان به‌طور کلی، در دو سطح عام به کار می‌رود، گرایش اول، تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی است که خود در دسته‌بندی سه‌گانه ساختارگرا و نقش‌گرا و انتقادی در کانون پژوهش قرار می‌گیرد. همچنین، سطح دیگر استفاده از تحلیل گفتمان در فلسفه

سیاسی و اجتماعی است (صالحی زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳). گفتمان، شکلی از عمل اجتماعی است که منطق بین رویداد خاص و استدلالی را با موقعیت‌ها، نهادها و ساختارهای اجتماعی، که چارچوب آن رویداد استدلالی است، شکل می‌دهد. گفتمان اجتماعی است و مجموعه‌ای اجتماعی به منزله شرایط، اشیاء، دانش، هویت فردی - اجتماعی و روابط میان مردم است (سرایی و همکاران ۱۳۸۷، ص ۸۶). گفتمان‌ها، مجموعه کدها، اشیاء و افراد هستند که پیرامون یک نقطه کانونی تثبیت شده‌اند و هویت خویش را در برابر مجموعه‌ای از دیگری‌ها به دست می‌آورند. معنا و مفهوم انسان از واقعیت گفتمانی است (مریدی و تقی زادگان، ۱۳۹۱، ص ۳۹).

با توجه به نقش به‌سزای تحلیل گفتمان در بررسی و تحلیل بسیاری از واقعیت‌های اجتماعی، بررسی این روش تحقیق ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین با مطالعه مقالات و کتاب‌های موجود در مورد روش‌شناسی تحلیل گفتمان و با استفاده از روش فراتحلیل، یک نوشته به عنوان متن اصلی تعیین شد و سپس تمام مقالات و نوشته‌های موجود، که گردآوری و مطالعه شده بود، به متن اصلی اضافه شد. به این ترتیب، روش‌شناسی تحلیل گفتمان مجدداً کامل شد.

واژه‌شناسی پژوهش تحلیل گفتمان

واژه «گفتمان»، معادل فارسی واژه فرانسوی (Discourse) و لاتین (Discursus)، به معنی گفت‌وگو، محاوره، گفتار می‌باشد که از ریشه فعل یونانی واژه (Discurrer)، به معنای سرگردان، آواره و حرکت در جهت‌های گوناگون و (Discursum) به معنی طفره رفتن، از سر باز کردن، تعلل ورزیدن و گرفته شده است (بشیر، ۱۳۸۵، ص ۱۴).

مبانی فلسفی روش پژوهش تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان، به ویژه نوع انتقادی آن، گرچه از برخی جهات مانند توجه به واقعیت اجتماعی همچون متن، تأکید بر استخراج معنای بسترمند و شناخت اشکال ذهنی و مفهومی موضوع‌های اجتماعی استفاده می‌کند، ولی اساساً از اصول پارادایم تفسیری - برساختی پیروی می‌کند و عموماً مبتنی بر فرض‌های پارادایم انتقادی پیش می‌رود. شاید بتوان تحلیل گفتمان انتقادی را یک روش بین پارادایمی تلقی کرد که به ترکیب اصول فلسفی دو پارادایم تفسیری - برساختی و انتقادی پرداخته است. بنیان‌های فکری تحلیل گفتمان، فراتر از تحلیل متن یا نوشتار یا تحلیل گفتار است (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۰).

پیشینه و روند تکامل روش تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان در زبان فارسی به سخن کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار ترجمه شده است. روش تحلیل گفتمان، یکی از روش‌های کیفی مورد توجه محققان است که معانی را در ریشه شرایط اجتماعی هر پیام، با توجه به گیرنده و فرستنده جست‌وجو می‌کند (بشیر، ۱۳۸۵، ص ۱۴). کاربران زبان نه فقط به عنوان فرد، بلکه به‌مثابه

اعضای گروه‌ها درگیر گفتمان می‌شوند؛ چرا که کاربران زبان می‌توانند از طریق گفتمان به تصدیق یا مخالفت با ساختارهای اصلی بپردازند (ون دایک، ۱۳۸۷).

اصطلاح «تحلیل گفتمان» نخستین بار در سال ۱۹۵۲، در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف انگلیسی زلیک هریس (Zellig Harris) به کار رفت. وی در این مقاله، با ارائه دیدی صورت‌گرایانه از جمله، تحلیل گفتمان را صرفاً نگاهی صورت‌گرایانه و ساختارگرایانه به جمله و متن بر شمرد. پس از هریس، بسیاری از زبان‌شناسان، تحلیل گفتمان را نقطه‌مقابل تحلیل متن دانسته‌اند. به اعتقاد اینها، تحلیل گفتمان شامل تحلیل ساختار زبان گفتاری، مانند گفت‌وگوها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها تحلیل متن شامل تحلیل ساختار زبان نوشتاری، مانند مقاله‌ها، داستان‌ها، گزارش‌ها و غیره است. تحلیل گفتمان، به عنوان روشی برای تحلیل متن برخلاف تحلیل‌های زبان‌شناسانه صرفاً با عناصر نحوی تشکیل‌دهنده جمله سر و کار ندارد، بلکه فراتر از آن، با عوامل بیرون از متن؛ یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی و اجتماعی سر و کار دارد. بنابراین، تحلیل گفتمان «نحوه تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی (زمینه متن) واحدهای زبانی، محیط بافصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی و عوامل برون زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند» (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۸).

بنا بر رویکرد جدید، تحلیل گفتمان، مطالعه شرایط اجتماعی و فرهنگی را که متن تحت‌تأثیر آنها تولید می‌شود نیز در کنار مطالعه خود متن، بررسی می‌کند و هدف آن این است که نشان دهد زمینه (بافت)‌های سیاسی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و شناختی کاربرد زبان و ارتباطات، چگونه بر محتوا، معانی، ساختارها یا استراتژی‌های متن اثر می‌گذارند نیز تأثیر گفتمان بر شکل‌گیری ساختارها و بسترهای مزبور چگونه است (بهرام‌پور، ۱۳۷۹، ص ۶۳). اصل راهبردی در تحلیل گفتمان این است که برای فهم واقعی گفتمان و اجرای آن، علاوه بر دانستن قواعد گفتمان، راهبردهای ذهنی و تعاملی مناسب نیز برای محقق جهت ساختن اهداف ارتباطی و اجتماعی لازم است. باین‌حال، همان‌طور که جامعه‌شناسان هم بر آن تأکید دارند، باید روابط گروه‌ها، ساختارها، فرایندها، روال‌ها و بسیاری از پدیده‌ها را در سطح تجلی عملی و بروز گفتمان مورد بررسی قرار داد (ون دایک، ۱۳۸۷).

معرفی روش پژوهش تحلیل گفتمان

یورگنسن (Yourgensen) و فیلیپس (Philips)، گفتمان را این‌گونه تعریف می‌کنند: گفتمان شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن است (یورگنسن و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۷). تتون ون دایک، گفتمان را مشکل از سه عنصر زیر می‌داند: الف. کاربرد زبان؛ ب. برقراری ارتباط میان باورها (شناخت)؛ ج. تعامل در موقعیت‌های اجتماعی (ون دایک، ۱۳۸۲، ص ۱۹).

گفتمان به معنای عام، صرفاً به مفهوم صحبت، مکالمه یا گفت‌وگو می‌باشد. از این‌رو، خطابه، موعظه، سمینار، سخنرانی و رساله را می‌توان نوعی گفتمان به حساب آورد. اما در معنای فنی، علمی و زبان‌شناسانه آنکه

برای اولین بار در اواسط دهه ۱۹۶۰ میلادی توسط اندیشمند فرانسوی *امیل بنوئیست* (Emile Benveniste) به کار گرفته شد، گفتمان به جنبه‌هایی از زبان می‌پردازد که تنها می‌توان آنها را با ارجاع به متکلم، وضعیت یا موقعیت مکانی و زمانی وی، یا با ارجاع به متغیرهای دیگری بیان نمود که در مشخص کردن بسترهای بافت موضعی پاره گفتار به کار می‌روند. از نظر فنی، گفت‌وگو شرط مقدماتی هر گفتمان است. به بیان *دیان مک دنل* (Diane Mac Dnel)، زبان شناس انگلیسی، گفتمان شامل هر نوع گفتار و کلام و نوشتاری است که در جریان اجتماعی شکل می‌گیرد. در واقع گفتمان، حاصل مطالعهٔ زبان به عنوان یک پدیدهٔ اجتماعی یا رویکردی جامعه‌شناختی است و دلالت بر آن دارد که متن، امری اجتماعی است که در خلال روابط اجتماعی و نه بیرون و مستقل از آن، شکل می‌گیرد (فرقانی، ۱۳۸۲، ص ۶۰). البته اصطلاح «گفتمان» کاربرد دیگری نیز دارد که باید آن را به معنای غیرعلمی و غیرفنی ملحق دانست. این معنا عبارت است از: اندیشه‌ها و فلسفه‌هایی است که فرد یا افرادی مانند سیاستمداران یک کشور دارا هستند (ون دایک ۱۳۷۹، ص ۸).

جورج یول و گیلیان براون (George Yule and Gillian Brown) در کتاب *تحلیل انتقادی گفتمان*، تحلیل گفتمان را تحلیل زبان در کاربرد دانسته‌اند که نمی‌تواند منحصر به توصیف صورت‌های زبانی مستقل از اهداف و کارکردهایی باشد که این صورت‌ها برای پرداختن به آنها در امور انسانی به وجود آمده‌اند (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۹). تحلیل گفتمان، مجموعه‌ای از روش‌ها و تئوری‌ها برای بررسی زبان و کاربرد زبان در زمینه‌های اجتماعی است (مک میلان، ۲۰۰۶، ص ۱). تحلیل گفتمان، به مطالعهٔ ساختار زبان فراتر از جمله مربوط می‌شود. بنابراین، مطالعهٔ واحدهای زبانی بزرگ‌تر، نظیر گفتمان محاوره‌ای یا متون نوشتاری است (اسلم بروک، ۲۰۰۶).

مهم‌ترین اهداف تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان یک فن و روش جدید، در مطالعهٔ متون، رسانه‌ها و فرهنگ‌هاست. در این روش، پژوهشگر بر آن است که رابطهٔ بین مؤلف، متن و خواننده را نشان دهد و مشخص کند چه زمینه‌ها و عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی در تولید گفتمان تأثیر دارند. مهم‌ترین اهداف تحلیل گفتمان عبارت‌اند از:

- آشکار ساختن رابطهٔ بین متن و ایدئولوژی؛

- نشان دادن رابطهٔ بین نویسنده، متن و خواننده؛

- روشن ساختن ساختار عمیق و پیچیدهٔ تولید متن یعنی جریان تولید گفتمان؛

- نشان دادن تأثیر بافت متن و بافت موقعیتی بر گفتمان؛

- نشان دادن موقعیت و زمینه‌های خاص تولید کننده گفتمان؛

- ارائه روش جدیدی در مطالعهٔ متون، رسانه‌ها، فرهنگ‌ها، علوم، سیاست، اجتماع؛

- نشان دادن بی‌ثباتی معنا (بک رید) (Blake Reed) و *ادوین هارلدسن* (Edwin Haroldsen)، (۱۹۷۵).

ون دایک چهار جزء متمایز برای تحلیل گفتمان در نظر گرفته است:



شکل ۱. رویکرد ون دایک به تحلیل گفتمان

اجزای تحلیل گفتمان

ون دایک، برخلاف برلسون و کاپلان (Burleson and Kaplan)، که تحلیل محتوا را روشی کمی می‌دانند، به کیفی بودن روش تحلیل گفتمان معتقد است. رهیافت تحلیل گفتمان، از زیر مجموعه‌های اندیشه‌ی انتقادی پست مدرن به شمار می‌رود و لاجرم ویژگی‌های اصلی و اساسی پست مدرنیسم، مانند نفی فرا روایت‌ها، نفی جوهرگرایی، نفی تحولات تک خطی، نفی میناگرایی و نفی ثبات مفاهیم در این رهیافت، بازتاب پیدا می‌کند (حسین زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۳۴).

مفاهیم اساسی تحلیل گفتمان

مفهوم	تعریف	مثال
مفصل‌بندی (Articulation)	هر عملی که میان عناصر پراکنده در درون یک گفتمان، رابطه برقرار کند به گونه‌ای که هویت و معنای عناصر یاد شده، اصلاح و تعدیل شود، مفصل‌بندی نامیده می‌شود در نتیجه، کلیت و فرآورده‌ی عمل مفصل‌بندی را گفتمان می‌گویند.	گفتمان لیبرالیسم مفاهیمی چون آزادی، دموکراسی، انتخابات، فردیت و عقلانیت را با هم مفصل‌بندی می‌کند.
دال مرکزی (NO DAL POINT)	دال مرکزی در منظومه گفتمانی، نشانه‌ای است که نیروی جاذبه‌ی آن، دیگر نشانه‌های داخل گفتمان را به خود جذب می‌کند و به آنها معنا و هویت می‌بخشد.	در گفتمان لیبرال، آزادی دال مرکزی است. دیگر نشانه‌ها و مفاهیم چون دولت، فرد، برابری و... با توجه به دال مرکزی معنا و مفهوم پیدا می‌کنند.

<p>عناصری همچون اخلاق، هویت، عزت نفس، رضایت، توسعه</p>	<p>عناصر دال‌های سرگردان و شناوری هستند که در حوزه گفتمانی به سر می‌برند و هنوز معنا و هویت گفتمانی نیافته‌اند. از این رو، گفتمان‌های رقیب تلاشی می‌کنند که بر آنها تسلط یابند و هویت دلخواه خود را با آنها بدهند.</p>	<p>عناصر (Elements)</p>
<p>حقوق بشر در اسلام که به تازگی وارد گفتمان حقوق بشر دوستانه شده و به معنای موقت و جدیدی رسیده است.</p>	<p>لحظه‌ها و وقته‌ها، عناصری هستند که از حوزه گفتمانی بیرون آمده‌اند و از حالت شناوری رهایی یافته و در چارچوب یک گفتمان، پهلو گرفته‌اند.</p>	<p>لحظه‌ها (Moments)</p>
<p>حوزه گفتمانی «آشتی» که دایره‌ای وسیع و ظرف خالی برای دو طرف در حل مشکل به شمار می‌رود. زمینه‌ساز مفصل‌بندی‌های جدید برای گفتمان‌های جدید است.</p>	<p>حوزه گفتمانی، به محفظه‌ای از معانی امکانی و بالقوه‌ای گفته می‌شود که در بیرون از منظومه گفتمانی قرار دارد. دال‌های حوزه گفتمانی مانند ظروف خالی هستند که آماده دریافت هر نوع معانی بالقوه می‌باشند. انتخاب یک معنا موجب طرد معانی دیگر می‌شود و زمینه را برای مفصل‌بندی‌های جدیدی در شکل‌گیری گفتمان‌های جدید آماده می‌کند.</p>	<p>حوزه‌ی گفتمانی (Field of Discursivity)</p>
<p>وضعیت آشفته و از جاشده‌ای آلمان در فاصله جنگ جهانی اول و دوم</p>	<p>از جاشدگی یا بی‌قراری، حوادثی هستند که حاصل رشد خصومت، ضدیت و تکثر در جامعه‌اند و نمی‌توانند با نظم گفتمانی موجود نصادپردازی شوند. از این رو، کوشش می‌کنند که آن را ویران کنند. از جاشدگی تمایل به فروپاشی گفتمان موجود دارد و در دنیای جدید تأثیرگذاری دو سویه دارد: هویت‌های موجود را تهدید می‌کند. زیرساخت برای شکل‌گیری هویت‌های جدید می‌شود. از جادگی هنگامی اتفاق می‌افتد که گفتمان‌ها، شروع به واگرایی می‌کنند. واگرایی گفتمان‌ها زمانی است که آشوب‌های اقتصادی و اجتماعی فراگیر شود. از جاشدگی، نشانه موقتی و گذرا بودن گفتمان‌ها نیز به شمار می‌آید و به عنوان یکی از ویژگی‌های ذاتی گفتمان همواره وجود دارد؛ زیرا گفتمان‌ها هیچ‌گاه به طور کامل تثبیت نمی‌شوند.</p>	<p>از جاشدگی (Dislocation)</p>
<p>توقف در تثبیت معنای توقف جنگ با خلق واژه جنگ سرد</p>	<p>انسداد یعنی توقف و تعطیلی موقت بی‌ثباتی، در هویت بخشی به نشانه‌ها و تثبیت موقت یک معنا. برای یک نشانه در یک گفتمان، هر گفتمانی تلاش می‌کند که از طریق تقابل چندگانگی معانی و تبدیل آن به یک معنای کاملاً تثبیت شده گفتمانی عناصر و دال‌های شناور را در درون خود جذب کند. وقتی که موفق به این کار شد، حالت شناور بودن از بین می‌رود و نوعی انسداد و انجماد در معنای نشانه و دال یاد شده روی می‌دهد که مانع از نوسان‌های معنایی می‌شود، اما این انسداد دائمی و همیشگی نیست.</p>	<p>انسداد و توقف (Closure)</p>

<p>گفتمان نژاد برتر در دهه ۱۹۴۰ در آلمان</p>	<p>خصومت به رابطه یک پدیده یا پدیده‌های دیگر اشاره دارد که نقش اساسی در هویت بخشی آن پدیده بازی می‌کند. اهمیت مفهوم خصومت یا ضدیت در آن است که هر چیزی در ارتباط با غیر، هویت پیدا می‌کند؛ زیرا پدیده‌ها هویت ثابتی ندارند. از این رو، خصومت و ضدیت در نظریه گفتمان، کاربرد دو سویه دارد: مانع عینیت و تثبیت گفتمان‌ها و هویت می‌شود. سازنده هویت و ساز و کار انسجام گفتمان‌ها را پدید می‌آورد.</p>	<p>ضدیت، خصومت و غیریت‌سازی (Antagonism)</p>
<p>هژمونی سلطه طلبی در گفتمان سیاسی آمریکا</p>	<p>هویتی که در یک گفتمان به کارگزاران اجتماعی داده می‌شود و تنها با مفصل‌بندی در درون صورت‌بندی هژمونیک (سلطه) به دست می‌آید. رفتار هژمونیک نمونه‌ای از رفتار سیاسی و شامل پیوند هویت‌های گوناگون نیروهای سیاسی به یک پروژه مشترک و ایجاد نظم اجتماعی از عناصر پراکنده و متنوع است. هدف اعمال هژمونیک، ایجاد یا تثبیت نظام دانایی و شبکه معنایی و صورت‌بندی هژمونیک است. این صورت‌بندی‌ها در پیرامون دال مرکزی، سازمان یافته‌اند. اعمال هژمونیک دو شرط اساسی دار وجود نیروهای متخاصم بی‌ثباتی مرزهای تفاوت هژمونیک شدن یک گفتمان به معنای پیروزی آن در تثبیت معانی مورد نظرش است.</p>	<p>استیلا (Hegemony)</p>
<p>گفتمان سیاه در واکنش به نژادپرستی سفیدپوستان، افراد غیر سفیدپوست، در زنجیره هم ارزی سیاه قرار می‌گیرند و تفاوت ملی و سرزمینی به فراموشی سپرده می‌شود، اما هم ارزی به حذف کامل تفاوت‌ها نمی‌انجامد و همواره امکان ظهور، بروز و خروج از زنجیره هم ارزی وجود دارد.</p>	<p>در مفصل‌بندی، دال‌های اصلی (نه مرکزی) زنجیره هم ارزی تفاوت را به وجود می‌آورند. دال‌های یاد شده، هنگامی که در منظومه گفتمانی قرار می‌گیرند، از طریق هم ارزی، تفاوت‌ها و تکررها را می‌پوشانند و به آنها هماهنگی می‌بخشند.</p>	<p>زنجیره‌ی هم ارزی تفاوت (Equivalence Difference)</p>

جدول ۱. مفاهیم اساسی تحلیل گفتمان (حسین‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۳۴)

پیش فرض‌های تحلیل گفتمان

مفروضات تحلیل گفتمان، که از برآیند قواعد تحلیل متن، هرمنوتیک، نشانه‌شناسی، مکتب انتقادی، واسازی، روان‌کاوی مدرن و دیدگاه فوکو در دیرینه‌شناسی و تبارشناسی شکل گرفته‌اند، عبارتند از:

انسان‌های مختلف، به متن یا گفتار واحد، متفاوت نگاه می‌کنند؛ یعنی انسان‌های مختلف از متن واحد، برداشت یکسان و واحدی ندارند.

خواندن (برداشت و تفسیر از متن)، گاهی منجر به نادرست خواندن (برداشت نادرست از متن) است.

- متن را بایستی به عنوان کل معنادار نگریست و این معنا لزوماً در خود متن نیست.

- هیچ متن خنثی یا بی‌طرفی وجود ندارد؛ متن‌ها اغلب بار ایدئولوژیک دارند.

- حقیقت همیشه در خطر است. در هر گفتمانی حقیقت نهفته است، اما هیچ گفتمانی دارای تمامی حقیقت نیست.

- نحو در دستور زبان متن نیز معنادار است؛ چون دارای معانی اجتماعی و ایدئولوژیک است. این معانی در جای

خود، به عواملی که دال‌ها را می‌سازند نظیر رمزه‌ها، بافت‌ها، مشارکت‌ها و تاریخ‌های مختلف وابسته‌اند.

- معنا همان قدر که از متن ناشی می‌شود، از بافت یا زمینه اجتماعی و فرهنگی نیز تأثیر می‌پذیرد. معنا و پیام

یک متن، در بین نوشته‌های آن متن قرار دارد.

- هر متنی در زمینه‌ها و موقعیت خاصی تولید می‌شود و رنگ خالق خود را همیشه به خود دارد.

- هر متنی یک منبع قدرت یا اقتدار (نه لزوماً سیاسی) مرتبط است.

- گفتمان، سطوح و ابعاد متعدد دارد؛ یعنی نه یک سطح گفتمانی وجود دارد و نه یک نوع گفتمان (فرکلاف،

۱۳۷۹، ص ۸).

تحلیل گفتمان انتقادی

یکی از روش‌های بسیار رایج پژوهش‌های کیفی، تحلیل گفتمان انتقادی است. تحلیل گفتمان انتقادی، به

لحاظ فلسفی مبتنی بر ساخت‌گرایی است که با تأکید بر عاملیت انسانی، واقعیت را به سازه‌های انسانی تقلیل

می‌دهد (محسنی، ۱۳۹۱، ص ۶۳). تحلیل گفتمان انتقادی از رهاوردهای تفکر پسانوگرایی است که

به‌خصوص ریشه در آراء میشل فوکو دارد. این رویکرد، معتقد است که عواملی همچون بافت تاریخی، روابط

قدرت و سلطه، نهادهای اجتماعی و فرهنگی و ایدئولوژیکی، متن یا صورت زبانی و معانی جدید را به وجود

می‌آورد (آقا گل‌زاده، ۱۳۹۰). این روش، زمانی پا به عرصه می‌گذارد که زبان در نظریه اجتماعی از اهمیت

به‌سزایی برخوردار است و بنابر عقیده نظریه‌پردازانی چون فوکو و هابرماس در تولید و باز تولید جامعه و

ساخت قدرت نقش محوری دارد (وداک، ۱۹۹۵).

از جمله مباحث اصلی تحلیل گفتمان انتقادی این است که چگونه روابط اجتماعی، هویت، دانش و قدرت، از

طریق متون نوشتاری و گفتاری ایجاد می‌شوند و یا اینکه مؤسسات و نهادهای اجتماعی چون مدرسه و دانشگاه، به

وسیله و از طریق گفتمان، چگونه شکل گرفته‌اند. تحلیلگر انتقادی بر آن است تا ساز و کار و عدم مساوات اجتماعی

نهفته در لایه‌های زیرین گفتمان را کشف کرده و نشان دهد و آگاهی لازم و کافی برای افراد جامعه مورد نظر را

فراهم سازد تا با فراهم آمدن زمینه و ساز و کار توزیع عادلانه بهره‌گیری مطلوب از ساختارهای گفتمان مدار توسط آحاد افراد جامعه، در جهت تحقق عدالت اجتماعی گام‌هایی برداشته شود (بارمحمدی، ۱۳۸۲، ص ۴).

این نوع تحلیل، مشکلات اجتماعی را مورد توجه قرار داده و مفاهیمی چون طبقه، جنسیت، نژاد، هژمونی (برتری)، منافع، عدالت را بررسی می‌کند (ون دایک، ۱۳۸۲، ص ۳۴۹). دیوید کریستال (Burlison and Kaplan) (۱۹۹۲)، در تعریف این نوع تحلیل می‌گوید: تحلیل گفتمان، رویکردی به تحلیل زبان است که هدف آن، آشکارسازی روابط پنهان قدرت و فرایندهای ایدئولوژیکی در زبان‌شناسی می‌باشد (آقا گل‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۱). از آنجاکه رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، شکل‌گیری نظم اجتماعی حاکم را فرایندی تاریخی در نظر می‌گیرد، در نتیجه به‌طور نسبی ساختاری اجتماعی و قابل تغییر دارد. همچنین، نظم اجتماعی حاکم و فرایندهای اجتماعی را بیشتر شکل گرفته و ثبات یافته به‌وسیله سيطرة ساختارهای ویژه، یا نوعی از واقعیت در نظر می‌گیرد، نه به واسطه میل شخصی افراد (لاک، ۱۳۹۳، ص ۱۷).

در گردآوری داده‌ها با رویکرد و روش تحلیل گفتمان انتقادی، روش‌هایی همچون بررسی اسناد و استفاده از متون موجود با تکیه بر اسناد دست اول (گفتاری و نوشتاری)، مصاحبه، مشاهده، گروه متمرکز و غیره مورد استفاده قرار می‌گیرند (قجری و نظری، ۱۳۹۲، ص ۱۲۸).

رویکردهای مختلف در تحلیل گفتمان انتقادی

۱. گفتمان و زبان به مثابه کردار اجتماعی (نورمن فرکلاف): اهداف این رویکرد کمک به تصحیح کم‌توجهی گسترده نسبت به اهمیت زبان در تولید، حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت و کمک به افزایش آگاهی نسبت به اینکه چگونه زبان در سلطه‌یابی و سلطه‌پذیری قشری بر قشر دیگر نقش دارد. سه مرحله تحلیل گفتمان انتقادی، از نظر کلارف عبارتند از: الف. توصیف؛ ب. تفسیر؛ ج. تبیین.

آنچه در نظریه فرکلاف قابل بحث و بررسی است و علاوه بر آن، در حوزه تعلیم و تربیت نیز دلالت‌هایی دارد، مفاهیم طبیعی‌شدگی در گفتمان است. اگر گونه گفتمان طوری بر نهادی مسلط باشد که سایر گونه‌های مسلط کاملاً سرکوب شوند، یا جزیی از آنها گردند، این مسئله موجب نمی‌شود تا آن گونه گفتمان، استبدادی به نظر برسد، بلکه موجب می‌شود طبیعی و مشروع دیده شود (آقا گل‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۳۹).

۲. انگاره اجتماعی - شناختی (تئو ون دایک): از نظر ون دایک، گفتمان در مفهوم گسترده به رویدادی ارتباطی اطلاق می‌شود که شامل تعاملات گفتاری، متن نوشتاری، حرکات دست و صورت، تصاویر و سایر دلالت‌های نشانه شناختی است. نکته مهم روش‌شناسی در کار ارزشمند ون دایک این است که معتقد است تحلیل‌گران گفتمان انتقادی باید موضع سیاسی و اجتماعی روشن و شفاف داشته باشند. آنها باید دیدگاه، اصول و اهداف خود را تشریح کنند. ون دایک اظهار می‌دارد: تحلیل گفتمان انتقادی منکر سوگیری نمی‌شود

و بسیار آشکار موضع سیاسی و اجتماعی خود را مشخص می‌سازد و از آن دفاع می‌کند؛ یعنی تحلیل گفتمان انتقادی سوگیری دارد و به خاطر آن، به خود می‌بالد (همان).

۳. رویکرد جامعه‌شناختی و تاریخی به گفتمان روث وداک (Ruth Veduk): این رویکرد برگرفته از دیدگاه‌های مکتب فرانکفورت و به ویژه هابرماس (Habermas) است. اصلی‌ترین هدف وداک، به کارگیری عملی تحقیق انتقادی است. از جمله عرضه کردن رهنمودهایی برای استفاده از زبان غیر تبعیض‌آمیز، در برخورد با زنان و رهنمودهایی دربارهٔ چگونگی برقراری ارتباط مناسب معلم با دانش‌آموز (همان، ص ۳۹).

باید گفت: با وجود تفاوت‌هایی که در رویکرد غالب در تحلیل گفتمان انتقادی به چشم می‌خورد، همه هدف واحدی را دنبال می‌کنند و آن نشان دادن رابطهٔ دیالکتیک میان زبان، قدرت و ایدئولوژی و نقش مؤثر زبان، در تجلی قدرت و مشروعیت‌بخشی به روابط نابرابر اجتماعی است؛ زیرا ایدئولوژی حاکم بر اثر کاربرد مستمر در زبان، بدیهی فرض می‌شود و طبیعی و پذیرفتنی به نظر می‌آید. بر همین اساس، تحلیل گران گفتمان انتقادی بر آنند تا با آشکار کردن روابط قدرت پنهان و فرایندهای ایدئولوژی موجود در متون زبانی، طبیعی زدایی کنند و با این کار، ناخودآگاه افرادی را بیدار سازند که ناآگاهانه موجب تثبیت و مشروعیت ایدئولوژی می‌شوند (همان).

تو. ای. ون دایک چهار جزء متمایز رویکرد گفتمان را این‌گونه بر می‌شمارد:

اول، تحلیل گفتمان یک پیام رسانه‌ای را به عنوان گفتمان تمام عبار مستقل بررسی می‌کند. تحلیل محتوا در پژوهش ارتباطات جمعی، معمولاً برای یافتن روابط یا همبستگی‌ها میان این و یا آن ویژگی اغلب محتوا و گاهی سبک پیام‌ها و ویژگی‌های فرستنده/ سخن‌گو یا خوانندگان انجام می‌گیرد. گفتمان رسانه‌ای، به عنوان شکلی از عمل اجتماعی کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است و آشکار کردن ساختارهای ذاتی در همهٔ سطوح هدفی معقول محسوب می‌شود.

دوم، هدف تحلیل گفتمان، عمدتاً تشریح داده‌های کیفی است و نه داده‌های کمی. البته معیارهای کمی را می‌توان به خوبی بر تحلیلی، آشکار از نوع عمدتاً بیشتر کیفی بنیان نهاد.

سوم، درحالی‌که تحلیل محتوا عمدتاً بر مبنای داده‌های قابل مشاهده و محاسبه‌پذیری همچون واژه‌ها، عبارات، جمله‌ها مبتنی است، تحلیل گفتمان به ساختارهای معناشناختی توجه دارد و فرض‌ها، ارتباطات، دلالت‌ها و راهبردها را هم روشن می‌سازد. به عبارت دیگر سخن در تحلیل گفتمان به جای شمارش و مقادیر آماری، با معناشناسی کاربردی متن سر و کار داریم.

مرحل انجام پژوهش روش تحلیل گفتمان

- تحلیل گفتمان یک خوانش تفسیری و ساختاری است و از رهنمود ویژه‌ای پیروی نمی‌کند.

- طراحی پژوهش

- انتخاب موضوع پژوهش و بیان مسئله

تحلیل گفتمان می‌تواند در مورد هر زمینه، مشکل و یا موقعیتی به کار گرفته شود. البته سهم تحلیل گفتمان پست مدرن، در به کارگیری افکار انتقادی، به خوبی گفتمان‌های دیگر در موقعیت‌های اجتماعی و سیاست‌های پنهان یا آشکار درون جامعه است که بر جامعه مسلط هستند، مانند: تفسیر جهان، نظام‌های اعتقادی و... (خنیفر، مسلمی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۹)

هدف تحلیل گفتمان جمع‌آوری جواب‌های دقیق نیست و فقط کمک می‌کند که علاوه بر دست‌یابی به افق‌های دید دیگران، افق‌های دید خود را نیز گسترش داده و برنامه کار، هیجانات ناشناخته و نارسایی‌های خودمان را بهتر بشناسیم. به عبارت دقیق‌تر، «تحلیل گفتمان آنچه در پشت اعمال وجود دارد را روشن می‌کند». پرسش‌های پژوهش در تحلیل گفتمان، مانند دیگر رویکردهای پژوهش کیفی به دنبال تحلیل و تولید معنا هستند. اما تفاوت تحلیل گفتمان با سایر روش‌ها، در علاقه آن به بررسی نحوه تولید معنا در گفتمان‌هایی است که افراد برای گفت‌وگو درباره جنبه‌های مختلف جهان به آنها متوسل می‌شوند. بدین ترتیب، سؤال‌های مطرح شده به مطالعه این موضوع منتهی می‌شوند که افراد چگونه از طریق تجارب گفتمانی، بر ساخته‌هایی از جهان و تفاسیر و هویت‌ها را خلق می‌کنند (یورگنسن، ۱۳۹۳، ص ۱۹۹).

تحلیل گفتمان، به طور شفاف و واضح، با فرضیه‌های ساختمان‌د آغاز نمی‌شود. اکثر پژوهشگران در تحلیل گفتمان، معمولاً تعدادی سؤال کلی در نظر دارند یا به حوزه خاص مورد نظر خود می‌اندیشند. سؤالات پژوهشگر به تدریج و به هنگام بررسی بیشتر متون، تحلیل و تعامل با آنها در دوره‌های زمانی خاص نمایان می‌شوند (هارپر، ۲۰۰۷).

انتخاب طرح پژوهش تحلیل گفتمان و توجیه آن

- شاخصه‌های مختلف تحلیل گفتمانی، روش‌های متفاوتی برای تحلیل گفتمان دارند. انتخاب تکنیک‌های تحلیلی به چارچوب‌های تحلیلی و روش پژوهشگر بستگی دارد. برای مثال انتخاب این موضوع که فرایند سستی یا انتقادی را می‌خواهد. در پیش بگیرد.

- تمرکز بر یک قلمرو ویژه، جامعه و ویژگی‌های مورد مطالعه در پژوهش تحلیل گفتمان؛

- تحلیل گفتمان می‌کوشد تا نظام و آرایش متنی عناصر زبانی را مطالعه کند. بنابراین، واحدهای زبانی نظیر مکالمات یا متون نوشتاری را بررسی می‌کند. بر این اساس، تحلیل گفتمان با کاربرد زبان در زمینه‌های اجتماعی، به ویژه با تعاملات یا مکالمات سر و کار دارد (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۹).

نمونه‌گیری از افراد، رفتارها یا وقایع در پژوهش تحلیل گفتمان

نمونه‌گیری در تحلیل گفتمان هدفمند است. در خصوص حجم نمونه باید گفت: غالباً نمونه‌ای حاوی چند متن (کمتر از ده مصاحبه) کافی است؛ زیرا موضوع مورد توجه، کاربرد زبان است نه فرد. گاه مصاحبه‌های بیشتر صرفاً

موجب زحمت بیشتر پژوهشگر می‌شوند و به غنای تحلیلی نمی‌افزایند. حجم نمونه، به پرسش‌های پژوهش بستگی دارد. بسیاری از تحلیل‌ها فقط به بررسی یک متن و اهمیت آن برای یک قلمرو اجتماعی خاص پرداخته‌اند. تحلیل‌های دیگر، نمونه‌های بزرگتری دارند و هدف، دسترسی به انواع عمل‌گفتمانی متنوع است و تعیین حوزه گفتمان است. اساساً محدودیتی برای حجم نمونه وجود ندارد. آنچه اهمیت دارد این است که پژوهشگران باید به روشی نحوه انتخاب نمونه را شرح دهند و بر اساس پرسش پژوهش و روش‌شناسی‌شان دلیل این انتخاب را توجیه کنند. از نظر فرکلاف تا زمانی که نمونه‌ها در تحلیل گفتمان همچون اشیای طبیعی در نظر گرفته شود؛ یعنی تا زمانی که تکه‌های گفتمان بدون توجه و یا کم توجهی به جایگاه آنها در قالب نهادی‌شان تحلیل شوند، نمونه‌گیری اصولی امکان‌پذیر نخواهد بود.

گردآوری داده‌ها در پژوهش تحلیل گفتمان

تعیین نحوه مشارکت پژوهشگر در پژوهش تحلیل گفتمان

در این روش، تحلیلگر از بافت متن (شکل و ساختار) فراتر رفته و وارد بافت موقعیتی متن (شرایط و ابعاد ایدئولوژیک) می‌شود و ضمن تحلیل، سعی می‌کند نشان‌دهنده معانی نهفته در ذهن مؤلف باشد.

تعیین روش گردآوری اطلاعات در پژوهش تحلیل گفتمان

غالباً در تحلیل گفتمان، از داده‌های طبیعی به همراه داده‌هایی استفاده می‌شود که پژوهشگر از طریق تماس با مشارکت‌کنندگان فراهم آورده است. مانند پیاده کردن متن گفت‌وگوهای روزمره، متون علمی و متن رسانه‌ها. در این نوع داده‌ها، پژوهشگر تأثیری بر داده‌ها نمی‌گذارد و نوع داده‌های گردآوری شده، این امکان را به پژوهشگر می‌دهد که تحلیل تنوعات گفتمان‌ها را در چارچوب بسترهای اجتماعی گوناگون انجام دهد. برای نمونه، یک فرد می‌تواند یک روایت از جهان را در مصاحبه و روایتی دیگر را در گفت‌وگو با دوستان یا چیزی که نوشته است، بیان کند. مشکل عملی داده‌های طبیعی این است که پیاده کردن متن آنها نیاز به وقت زیادی دارد و نیز به دلایل اخلاقی، پژوهشگر موظف است برای پیگیری این گفت‌وگوها و تحلیل آنها اجازه بگیرد. یک راه این است که زنجیره‌های میان‌متنی را مطالعه کند که در آنها انواع مختلف متن گردآوری شده‌اند. بدین ترتیب، می‌تواند تولید و تحول گفتمان را در خلال این قلمروها نشان دهد.

گردآوری اطلاعات

در تحلیل گفتمان برای گردآوری اطلاعات، باید متن مکالمات یا مصاحبه‌ها با دقت، استماع، تدوین و برای تحلیل آماده شود. قدرت مانور پژوهشگر در شکار جملات، دقت تدوین و سرعت تحلیل‌های اولیه در ضمن گردآوری اطلاعات و یادداشت‌های دقیق تعیین‌کننده است.

بازنگری و رونویسی اسناد

لازم است سیستمی برای پیاده کردن متن انتخاب شود که به پژوهشگر امکان دهد مصاحبه را به مثابه تعامل اجتماعی تحلیل کند. اگر مصاحبه را تعاملی اجتماعی بدانیم، باید پرسش‌ها و پاسخ‌ها، هر دو را پیاده و تحلیل کنیم. پیاده‌سازی مناسب متن، می‌تواند نشان دهد که چگونه جواب پاسخ‌گو تا حدودی نتیجه ارزیابی مصاحبه‌کننده از جواب پاسخ‌گوهاست (یورگنس، ۱۳۹۳، ص ۲۰۶). نوع متن بر نحوه بازنویسی یا پیاده‌سازی آن تأثیر می‌گذارد؛ اگر متن به صورت نوشتاری باشد، به پیاده‌سازی نیاز ندارد. ولی می‌توان آن را به گونه‌ای بازنویسی کرد که بسیاری از شرایط و رخداد‌های ناپیدا به سخن درآیند. اما اگر متن به صورت گفت‌گویی، سخنرانی یا بحث باشد، باید کل یا بخشی از متن را بازنویسی کرد (کریمی، ۱۳۹۷، ص ۸).

تجزیه و تحلیل داده‌ها

فن تحلیل گفتمان بر پایه اصولی همچون آماده‌سازی و تجزیه گفتار، جست‌وجوی وابستگی‌های کارآمد در عبارات و بین عبارات، بررسی وابستگی‌های کارآمدی داخل جمله‌ها و تبدیل جمله‌ها به واحدهای کوتاه، طبقه‌بندی و رمزگذاری روابط دوگانه جملات و تحلیل وابستگی‌ها استوار است. در یک جمع‌بندی، می‌توان مراحل فوق را در دو مرحله کلی، کدگذاری و تحلیل، به صورت ذیل بیان نمود:

۱. کدگذاری

یکی از راهبردهای اساسی در تحلیل داده‌های کیفی، رمزگذاری موارد مورد تحلیل برای مقوله‌بندی یا تکوین نظریه است. تحلیل داده‌ها، با تشخیص مضامین و الگوهای کلیدی آغاز می‌شود و برای انجام این کار، داده‌ها رمزگذاری می‌شوند. بدین منظور، پژوهشگران باید قادر باشند که معنی‌دارترین بخش‌های داده‌ها را سازماندهی، مدیریت و بازیابی کنند. بدین منظور، آنان معمولاً بر اساس مفاهیم، برچسب‌ها و نشانه‌هایی به داده‌ها اختصاص می‌دهند. به عبارت دیگر، پژوهشگران در این شیوه به فشرده‌سازی داده‌ها در واحدهای قابل تحلیل از طریق ایجاد مقوله‌هایی از داده‌ها می‌پردازند. این فرایند «رمزگذاری» نامیده می‌شود. هدف پژوهشگر از رمزگذاری، بیرون کشیدن مفاهیم از دل داده‌هاست. البته باید در نظر داشت که رمزگذاری جایگزین تحلیل داده‌ها نیست و به عنوان بخشی از فرایند تحلیل داده‌های کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. رمزگذاری، به پژوهشگران امکان می‌دهد تا منظور داده‌ها را با دقت مورد بررسی قرار دهند (کافی و اتکینسون، ۱۹۹۶، ص ۲۷-۲۶).

برای شروع، باید متن‌های پیاده شده را خواند و مضامین آن را شناسایی کرد. در واقع، متن به چند بخش و مقوله تقسیم می‌شود. هدف از این کار صرفاً شناسایی مضامینی نیست که از چارچوب نظری الهام گرفته است، بلکه باید آماده پذیرش مضامینی جدید بود که در حین مصاحبه یا مطالعه متن آنها را پیدا

می‌کنیم. می‌توان بخشی از مصاحبه را در بخش مطالعهٔ مربوط به مقوله‌های مختلف نقل کرد و هنگامی که شناخت از آن مضمون بیشتر شد، به اطلاعات بازگشت و به دنبال نمونه‌های بیشتری رفت. در این فرایند، برخی از مضامین کنار گذاشته شده و مضامین جدیدی ایجاد می‌شوند. یک روش این است که به دنبال نقاط بحران بگردیم؛ یعنی نشانه‌هایی دال بر وجود مشکلی در تعامل که قادر به نشان دادن تعارض‌های میان گفتمان‌های مختلف می‌باشند. اینکه یکی از شرکت‌کنندگان تلاش می‌کند موضعی را حفظ کند، یک نشانه است. برای مثال، دست‌پاچه می‌شود، جملات را تکرار می‌کند، ساکت می‌شود، یا سبک سخن گفتن خود را عوض می‌کند. تکنیک دیگر، توجه به تغییر ضمیر در حین گفت‌وگو است. برای نمونه ما به جای من، می‌تواند حاکی از تغییر از یک موقعیت سوژه در یک گفتمان به موقعیت سوژه‌های دیگر در گفتمانی متفاوت باشد.

۲. تحلیل

اصلی‌ترین ابزار بخش تحلیل در زمان ربط متن و چارچوب‌های در برگیرندهٔ آن، با ساختارهای خرد و ساختارهای کلان، «برش» نامیده می‌شود. برش در تحلیل، ابزاری است که به پژوهشگر اجازهٔ تفسیر مقطعی و ژرف می‌دهد و او را قادر می‌سازد تا از یک سو، به تجربهٔ یک لایه یا مشخصه از سایر لایه‌ها یا مشخصه‌ها اقدام کند. از سوی دیگر، وی را در ایجاد ارتباط ما بین مؤلفه‌های مختلف از سطوح متفاوت با یکدیگر یاری می‌دهد. در راستای این بحث، دو مفهوم دیگر در مقابل ما قرار می‌گیرد:

الف. تحلیل در زمان؛ یعنی در بررسی یک مشخصهٔ متنی به طور مجرد و جدا از سایر مشخصه‌ها؛

ب. تحلیل هم زمان؛ یعنی بررسی دو یا چند مشخصه به طور پیوسته و در رابطه با یکدیگر؛

- در مطالعات گفتمان به طور قالب از تحلیل هم زمان استفاده می‌شود و ارائه نتایج، تهیه گزارش و ارزیابی

پژوهش تحلیل گفتمان

نوشتن یافته‌ها و تجربه و تحلیل در پژوهش تحلیل گفتمان ادامه این فرایند است.

اگر چه الگوهای مختلفی برای تحلیل یافته‌ها در تحلیل گفتمان وجود دارد، اما روش تقطیع جملات، تحلیل همراه به شیوهٔ پاراگراف نقل و تفسیر و روش تحلیل جامع و کلی بسیار رایج هستند. در نگارش یافته‌ها، تجزیه و تحلیل و برش‌های افقی و عمودی، ابزارهایی هستند که تحلیل در زمان و هم زمان را ممکن می‌سازند. برش افقی عمدتاً برای تفکیک لایه‌های متنی از یکدیگر اجرا می‌شود. ولی برش عمودی، دو کارکرد متفاوت دارد: نخست اینکه یک مشخصه از یک لایه را از سایر مشخصه‌های همان لایه جدا می‌سازد. دوم اینکه در صورت اجرا در ارتفاع متن، چند مشخصه را با یکدیگر مرتبط می‌سازد.

نوشتن نتیجه‌گیری‌ها و مفاهیم در تحلیل گفتمان

در میان گذاشتن یافته‌های تحلیل گفتمان، با کسانی که خارج از میدان پژوهش قرار دارند، چالش مهمی است. پژوهشگر باید تصمیم بگیرد که گروه هدف خود را انتخاب کند:

- از میان اجتماع علمی؛
 - از میان کسانی که پژوهش به آنها مربوط می‌شود؛
 - از میان گروه‌هایی که این افراد به آنها تعلق دارند؛
 - از میان افراد عادی؛
 - استفاده از رسانه‌های جمعی به منزله واسطه؛
 - برقراری گفت‌وگو با افراد مورد مطالعه؛
 - تهیه پیش‌نویس، پرداخت متن و انتشار.
- گزارش پژوهش صرفاً گزارش نتایج پژوهش نیست، بلکه بخشی از عمل اعتباربخشی به آن نیز هست. پژوهشگر باید تحلیل و نتیجه‌گیری‌های خود را به نحوی ارائه کند که خواننده بتواند درباره تفسیرهای او داوری کند. به همین دلیل، شفافیت اهمیتی حیاتی دارد. گزارش باید حاوی نمونه‌هایی نمایان از داده‌های تجربی و نیز تحلیل‌های مفصل از تفسیرهایی باشد که مدعیات تحلیلی را به گزیده‌ها و نقل قول‌ها از متن مورد بررسی پیوند می‌دهند. همچنین، باید این امکان را به خواننده داد تا فرایند پژوهش را ارزیابی کند. بخش عمده‌ای از گزارش، حاوی گزیده‌هایی از متن پیاده شده و تفسیرهای منطقی است که نشانگر قالب‌های موجود در داده‌ها هستند. البته ممکن است الگوی گفتمانی، که به نظر پژوهشگر روشن و بدیهی می‌رسد، مبهم جلوه کند و پژوهشگر مجبور باشد دوباره به کدگذاری‌ها یا متن‌های پیاده شده رجوع کند.

ارزیابی کیفیت پژوهش تحلیل گفتمان

گفتمان یا تحلیل انتقادی، یک مسئله تفسیری است. در این روش، با داده‌هایی که در طول تحلیل گفتمان جمع‌آوری شده است، مشکلی نداریم و روایی و پایایی یک پژوهش، وابسته به بحث‌های منطقی موجود است. حتی بهترین بحث‌های ساخت یافته، سوژه‌های برای ساختار شکنی مطالب می‌شود. اعتبار تحلیل گفتمان، به کیفیت قدرت نطق و بیان وابسته است. یکی از راه‌های ارزیابی اعتبار تحلیل گفتمان، توجه به انسجام آن است. از مدعاهای تحلیلی انتظار می‌رود گفتمان منسجمی را تشکیل دهند. وجود بخش‌هایی از تحلیل، که با بخش‌های دیگر تحلیل گفتمان هماهنگ نباشند، احتمال پذیرش تحلیل از سوی خوانندگان را کاهش می‌دهند. راه دیگر، تعیین میزان سودمندی آن تحلیل است. پارادایم‌های مختلف علمی به طور سنتی، از این معیار استفاده می‌کنند. به هنگام ارزیابی سودمندی یک تحلیل، بیشتر به توان تبیینی آن چارچوب تحلیلی از جمله توان ارائه تبیین‌های جدید توجه می‌شود (یورگنسن، ۱۳۹۳، ص ۲۰۹-۲۰۸).



مراحل انجام پژوهش تحلیل گفتمان (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۸)

نقدهای وارد بر روش پژوهش تحلیل گفتمان

- گاهی تحلیل گفتمان نمی‌تواند پاسخ دقیقی برای موضوعاتی خاص فراهم کند.
- تحلیل گفتمان علم سختی نیست، اما دانش و نگرش مبتنی بر استدلال و بحث‌های مستمر است.
- عدم شناخت پژوهشگر از شیوه‌های سه‌گانه تحلیل گفتمان و به کار بردن تحلیل محتوا به جای تحلیل گفتمان

- پژوهشگران ممکن است به علت عدم آشنایی کافی با این روش، با مشکل عدم روایی و پایایی روبرو شوند.
- تصور می‌شود تحلیل گفتمان که آمار و ارقام روش‌های کمی را ندارد، فاقد اعتبار و روایی است (خنیفر، مسلمی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۲).

دیوید هوارث (Haworth) اشکالات وارد بر این روش را این‌گونه بیان می‌کند:

- از هم پاشیدگی و بی‌ثباتی کامل روابط و ساختارهای اجتماعی؛

- کنار گذاری مفهوم ایدئولوژی و دستاویز انتقادی نظریه؛

- ناتوانی یا بی‌میلی در تحلیل نهادهای سیاسی اجتماعی (هوارث، ۱۳۷۷، ص ۱۷۶).

تحلیل گران گفتمانی خود در فضای گفتمانی خاص تنفس می‌کنند و در ساخت گفتمانی خاصی قرار دارند و مانند سوزه‌های دیگر شکل یافته‌اند (هوارث، ۱۳۷۷). به عبارت دیگر، تحلیل گران مذکور، بدون نظر داشت ارزش‌های بنیادین خودشان، که شاید شائبه ایدئولوژیک بودن نیز به آن وارد باشد، پیش‌انگاره‌های اصولی نظرگاه‌های بنیادگرا را به چالش می‌کشند (شقاقی، فدایی، ۱۳۹۲، ص ۲۰).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، به بررسی روش پژوهش تحلیل گفتمان با رویکرد فرا تحلیل پرداخته شد. گلاس (Glass) (۱۹۷۶)، تحلیل آماری مجموعه بزرگی از یافته‌های پژوهشی برای یکپارچه‌سازی این یافته‌ها تعریف کرده است. به بیان دیگر، این تکنیک خلاصه‌ای از پژوهش‌های پیشین است که برای مقایسه پیامدها در طول دامنه وسیعی از مطالعات، روش‌های کمی را به کار می‌برد (هومن، ۱۳۸۷، ص ۱۳). فراتحلیل در واقع نوعی تحلیل ثانویه است. وقتی نتایج مطالعات منتشر شده پیرامون یک موضوع خاص، بدون توجه به داده‌های اصلی اولیه به صورت کمی ترکیب شده و به یک نتیجه‌گیری کلی بینجامد، فراتحلیل به عنوان نوعی تحلیل ثانویه صورت می‌گیرد. بر این اساس و با توجه به مطالعات انجام شده، متوجه شدیم که تحلیل گفتمان به معنی تحلیل و تفسیر گفتار و کردار اجتماعی و پی بردن به عمق و معنای نهفته در لابه‌لای جملات دقیق نویسندگان و تعیین رابطه بین خواننده و نویسنده، به خصوص در زمینه قدرت و سیاست هست. در این میان، به نقش زبان به عنوان عامل مؤثری در تحلیل متون و سخنان تأکید می‌شود؛ چون که تحلیل گفتمان با کاربرد زبان در بسیاری از بسترهای اجتماعی، از جمله در تعامل‌ها و کنش‌های اجتماعی سر و کار دارد. تحلیل گفتمان به‌طور کلی، در دو سطح عام زبان‌شناسی و فلسفه سیاسی و اجتماعی به کار می‌رود و در زبان‌شناسی به سه دسته ساختارگرا و نقش‌گرا و انتقادی تقسیم شده است. به نظر فوکو، (Foucault) کلید فهم وقایع سیاسی و اجتماعی گفتمان است و با فهم گفتمان هر دوره است که می‌توان آن را به خوبی تبیین و تفسیر کرد. گفتمان، شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن یا فهم یکی از وجوه آن است (صالحی زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳). عناوینی چون تحلیل گفتمان مدیران و نخبگان کشور درباره صنعت گردشگری در ایران و تقابل ارزش‌های دینی در گفتمان حسینی و یزیدی، جهت انجام پژوهش با روش تحلیل گفتمان است.

- آدریانوس، ۱۳۸۲، *مطالعاتی در تحلیل گفتمان (از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی)*، ترجمهٔ پیروز ایزدی و دیگران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آقاگل‌زاده، فردوس، ۱۳۸۵، *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____، ۱۳۹۰، *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____ و همکاران، ۱۳۸۶، «رویکرد غالب در تحلیل گفتمان انتقادی»، *زبان و زبان‌شناسی*، ص ۵۴-۳۹.
- بشیر، حسن، ۱۳۸۵، *تحلیل گفتمان در بجهای بر روی کشف ناگفته‌ها*، تهران، چ چهارم، دانشگاه امام صادق ع.
- بهرام پور، شعبانعلی، ۱۳۷۹، مقدمه گردآورنده تحلیل انتقادی گفتمان، نوشتهٔ نورمن فرکلاف، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- تاجیک، محمدرضا، ۱۳۷۷، «متن وانموده و تحلیل گفتمان» تهران، *گفتمان*، س اول، ش اول، ص ۱۵.
- حسین زاده، سید محمدعلی، ۱۳۸۸، «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، تهران، *علوم سیاسی*، ش ۲۸.
- خنیفر، حسین و همکاران، ۱۳۹۶، *اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی (رویکردی نو و کاربردی)*، تهران، نگاه دانش.
- سرای، حسن؛ فتحی، سروش؛ زارع، زهرا، ۱۳۸۷، «روش کیفی در مطالعات اجتماعی با تأکید بر روش تحلیل گفتمان انتقادی»، *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، س دوم، ش ۳، دانشگاه آزاد اسلامی.
- شقاقی، مهدی؛ فدایی، غلامرضا، ۱۳۹۲، «تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه»، دوره ۴۷، ش ۱، ص ۲۶-۵.
- صالحی زاده، عبدالهادی، ۱۳۹۰، «نکاتی تحلیلی و روش‌شناختی دربارهٔ تحلیل گفتمان (با نگاهی به پژوهش‌های ایرانی)»، *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ص ۱۴۱-۱۱۳.
- فرکلاف، نورمن، ۱۳۷۹، *تحلیل انتقادی گفتمان* (پیران و همکاران، مترجم)، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- قجری، حسینعلی؛ نظری، جواد، ۱۳۹۲، *کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی*، تهران، جامعه‌شناسان.
- کریمی، مجیدرضا و همکاران، ۱۳۹۷، «نگاهی اجمالی به روش تحلیل گفتمان»، *روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی - اجتماعی* دوره اول، ص ۸.
- لاک، تری، ۱۳۹۳، *تحلیل گفتمان انتقادی*، ترجمهٔ رضا خیرآبادی و دیگران، تهران، خط سفید.
- محسنی، محمدجواد، ۱۳۹۱، «جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلاف»، *معرفت فرهنگی اجتماعی*، س سوم، پیاپی ۳، ص ۸۶-۶۳.
- میردی، محمدرضا و همکاران، ۱۳۹۱، گفتمان‌های ملی هنر در ایران، ش ۲۹، تهران، انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات.
- میرزایی، خلیل، ۱۳۹۵، *کیفی پژوهی: پژوهش، پژوهشگری و پژوهش‌نامه نویسی*، تهران، فوژان.
- ون دایک، تتون، ۱۳۸۲، *مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی*، ترجمهٔ تزا میر فخرایی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- _____، ۱۳۸۷، *تحلیل گفتمان، پرورش و کاربرست آن در ساختار خبر*، ترجمهٔ محمدرضا حسن‌زاده، تهران، پژوهش معاونت سیاسی صدا و سیما جمهوری اسلامی.
- هوارث، دیوید، ۱۳۷۷، «نظریه گفتمان»، ترجمهٔ سید علی اصغر سلطانی، *علوم سیاسی*، ش ۲، ص ۱۸۲-۱۵۶.
- هومن، حیدرعلی، ۱۳۸۷، راهنمای عملی فراتحلیل در پژوهش‌های علمی، تهران، سمت.
- یارمحمدی، لطف‌الله و همکاران، ۱۳۸۲، «شیوه‌ای در تحلیل گفتمان و بررسی دیدگاه‌های فکری و اجتماعی»، تهران، *نامه فرهنگ* ش ۴۲، ص ۴.
- یورگنسن، ماریان؛ فلیس، لوییز، ۱۳۹۳، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمهٔ هادی جلیلی، چ چهارم، تهران، نی.

- Blake, Reed, H.Haroldsen, Edwin O.(1975). A Taxonomy Of Concepts in Communication. New York: Hastings House.
- Coffey,A. and P. Atkinson (1996). Making Sense of qualitative data: Complementary research Strategies. Thousand Oaks, CA:Sage.
- Fairhurst,G. Putnam,L. (2004). Organization as Discursive Constructions, C0mmunication Theory,14.
- Harper,David J (2007). Discourse analysis. In –M. Slade and S.Priebe (eds). What Works For What? London: Brunner – Rutle dge. Available: [www.ucl.ac.uk/pcps/research/qualres/documents/discourse analysis chapter.pdf](http://www.ucl.ac.uk/pcps/research/qualres/documents/discourse%20analysis%20chapter.pdf) [retrieved: 14 Dec 2007].
- Macmillan, Katie (2006). Discourse Analysis – A Primer Online <http://www.Ischool.texas.dl>.
- Slembrouck, Stef (2006). What is by discourse analysis? Online:[http:// bank.rug.ac](http://bank.rug.ac).
- Wodak,R.(1995).Critical Linguistics and Critical Discourse Analysis. In J. Verschuren,J.Ola-Osman, and J.Blommaret (Eds.),Handbook of Pragmatics Manual (204-210) Amesterdam: Jhon Benjamins.

